

آینه



وحدت تابع محض بودن مانیست

● آیت‌الله هاشم هاشم‌زاده‌هریسی: همه می‌دانیم که وحدت ملی باید وجود داشته باشد، همه دعوت به وحدت می‌کنند، اما دعوت به وحدت‌های ما واقعی نیست و متأسفانه عملی هم نخواهد شد. سیاستمداران و مسئولان ما فکر می‌کنند وحدت یعنی مردم و دیگر جناح‌ها به تابع بی‌چون‌وچرای آنها تبدیل شوند و هرچه آنها می‌گویند مردم بگویند چشم. از رقیب بی‌خواهند با آنها یکی شود و این را وحدت نام‌گذاری می‌کنند. مشخص است که این مسئله به نتیجه نخواهد رسید. باید همه از منافع خود کوتاه بیایند و هرکسی به حداقل‌ها اکتفا کند و آن‌گاه است که می‌توان انتظار داشت وحدت به وجود آید. براساس قانون اساسی، براساس اخلاق، براساس حقوق انسان‌ها و براساس آزادی مشروع باید این وحدت برقرار شود. اگر اینها معیار شود، یعنی شرایط عادلانه است، در غیر این صورت یک طرف دارد به دیگران دستور می‌دهد که با او همراه گ شوند. این مسائل با دستور در جامعه برقرار نمی‌شوند.

دلایل شکست اردوغان در استانبول

● **رحمان قهرمانپور، کارشناس مسائل ترکیه:** فال‌غ از عملکرد رجب‌طیب اردوغان و حزیش در انتخابات، باید پذیرفت که سیاست‌های او طی سال‌های اخیر باعث نگرانی بخشی از مردم ترکیه شده است. دستگیری‌های گسترده پس از کودتای نافرجام سال۲۰۱۶، اخراج تعداد زیادی از کارمندان و معلمان، تضعیف قوه قضائیه و تحدید استقلال قضات باعث انتقادهای گسترده از او شده است. اردوغان در واکنش به اعتراض‌ها با حزب «حرکت ملی» ائتلاف کرد تا موقعیت خود را تقویت کند اما مواضع حزب حرکت ملی آن‌قدرها مورد علاقه چپ‌گرایان ترکیه و کردها نیست، بنابراین وضعیت برای او بدتر هم شد. این ائتلاف را باید جزء دلایل کاهش محبوبیت حزب عدالت و توسعه طی این سال‌ها دانست.

اکنون سوّالی که مطرح می‌شود این است که آیا اکرم امام اوغلو نیز می‌تواند همانند اردوغان در دههٔ ۱۹۹۰، به یک پدیده در سیاست ترکیه تبدیل شود؟ بسیاری معتقدند امام اوغلو نیز همچون اردوغان، جوان و جسور است و همانند او از شهرداری استانبول آغاز کرده و می‌تواند همچون اردوغان مسیر ترقی را طی کند. با وجود انتقاداتی که به اردوغان وجود دارد، باید پذیرفت که مجموع اقداماتی که در ترکیه طی سال‌های حضور اسلام‌گرایان در قدرت انجام شده، بسیار بیشتر از مجموع فعالیت‌هایی است که در دوره حکومت سکولارها انجام شده است. امام‌اوغلو قدرت‌نمایی بسیار خوبی در انتخابات داشت اما عملکرد او در اداره شهرداری استانبول شرط است و باید منتظر برنامه‌هایش برای اداره شهر ماند.

ایران

مردم باید همه چیز را بدانند

● **لعیا جنبیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، بی‌هیچ تردید مصلحت کشور و ملت و نظام در شفافیت امور و احتراز از موقعیت‌های مبهم و غبارآلود است که زمینه تخلف و فساد را فراهم می‌کنند. لذا از تمام نهادها و مشمولان لایحه انتظار همکاری برای تحقق یک آرمان برتر و یک مصلحت مسلم و یک هدف متعالی می‌رود. اگر طی این طریق در ابتدا سخت باشد در نهایت هم به نفع جمع و هم حتی به نفع تک‌تک افراد است، زیرا از ایران، کشوری بهتر و از جامعه، محیطی سالم‌تر خواهد ساخت که منافع جمعی و فردی حاصل از آن به همگان خواهد رسید... تمام ظرفیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی ایران متعلق به مردم ایران است و مردم باید حق داشته باشند که بدانند این ظرفیت‌ها چگونه به‌کار گرفته می‌شود و در مسیر صحیح است یا خیر. مردم باید روند قانون‌گذاری نسبت به سرنوشت و آینده خودشان و کشورشان را بدانند و از صحت و سلامت فرایند تصمیمات قضائی و شبه‌قضائی و غیرقضائی اطمینان حاصل کنند. مردم باید بدانند که منابع مالی و غیرمالی آنان به هرن نمی‌رود و در مسیر درست و برای حفظ مصالح و منافع ملی به کار گرفته می‌شود.**

انالله و انا الیه راجعون

برادر ارجمند مهندس لطف الله میثمی

بازگشت نفس مطمئنه همسر با ایمان و رنج کشیده تان، با ندای ارجعی پروردگارش، به ملکوت اعلی راضیه و مرضیه و درآمن به میان بندگان خاص و بهشت برین اوجای اندوهی برای شما و دیگر باز ماندگان مومن به سرای جاویدان پسین و راضی به رضایت پروردگار و تسلیم به امر حکیمانه اش باقی نمی گذارد. گوارای وجودتان باد اجر جزیلی که پادش صبر جمیل شماست.

یاران نهج البلاغه، مصطفی آشوری، رویا باطنی، فاطمه اعتمالی، سید محمد علی اکرمی زاده، شهین امید خدآ، لادن بابایی، مجتبی بدیعی، حور به نغمه چیان مریم توکلی، سید محمد مهدی جعفری، سعید حاتم تهرانی، مجید حریریان امین حمزوی عابد، مریم خالمی، زهرا راضایی زاده، کاظم روغن چی جاوید رمضان پور، عباس زرکوب، غلامرضا شادبختی، جعفر صفری محمد طباطبائی لطفی، عباس عبدالمی، اکرم غفاری، محمد کاملی شهر و کنعانی مقدم، فاطمه محمودی، مینا مذکوری، علی مقتمدی مهری مقدم، سید صالح هندی

رئیس فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی در نطق میان‌دستور خود خواستار کنارگذاشتن مدیران بی‌انگیزه، منفعت‌طلب و ناکارآمد شد و درعین‌حال با توجه به شرایط کشور و ضرورت همبستگی ملی، رفع حصر، رفع محدودیت‌ها، حل‌وفصل وضعیت پرونده‌هایی نظیر پرونده فعالان محیط زیست و اعتماد به فعالان اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد را موجب ارتقای اقتدار ملی دانست.

به گزارش امیدنامه، متن کامل نطق میان‌دستور دکتر محمدرضا عارف به شرح زیر است:

ضمن عرض سلام به همکاران گرامی، موکلین عزیز و مردم شریف ایران و با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای گران‌قدر هفتم تیر در این چند دقیقه و به نمایندگی از مردم، مهم‌ترین دغدغه‌ها و چالش‌های پیش‌روی کشور را که بیشترین تأثیر را بر زندگی هم‌وطنان‌مان دارد، با شما مطرح و مسئولیت و تعهدمان را در قالب سه محور بازگو می‌کنم.

اول: امروز سیاست راهبردی نظام در پرهیز از تنش‌آفرینی و جنگ و تن‌دادن به مذاکره، بیش از هر زمانی دیگر، نیازمند اقتدار، صبر، شکیبایی

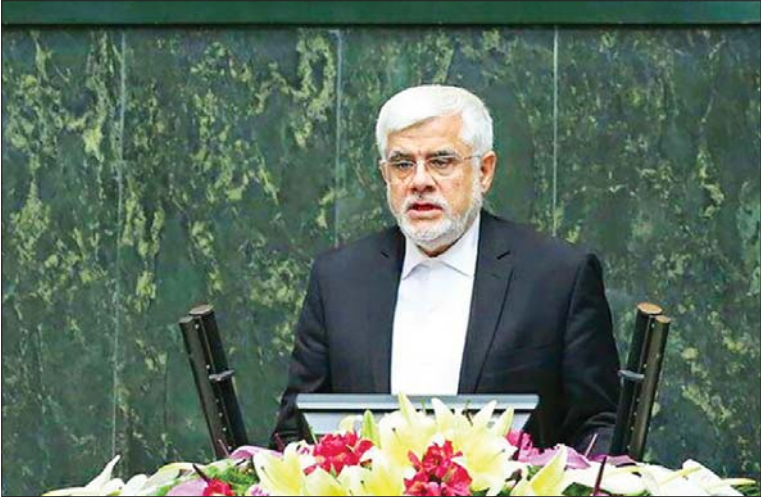
راهبردی و همبستگی ملی است. در عرصه خارجی، از آنجاکه تولید و به‌کارگیری سلاح هسته‌ای جایگاهی در دکت‌رین دفاعی کشور ندارد، نیازمند آتیم که هدف میان‌مدت کشورمان مبتنی بر حفظ برجام و عدم بازگشت مجدد به شورای امنیت را از طریق تقویت مسیر دیپلماتیک دنبال کنیم.اما راهبرد سیاست خارجی کشور، نیازمند مقاومت، تقویت تاب‌آوری و صبر راهبردی، همبستگی ملی و ارتقای سرمایه

اجتماعی است. ۴۰ سال سابقه حضور در دولت و مجلس، در دانشگاه و در میان جوانان و مردم، هیچ‌گاه لزوم بازآفرینی سرمایه اجتماعی را مانند امروز، مهم و حیاتی ندیده‌ام. سرمایه اجتماعی دربردارنده اعتماد عمومی است و اعتماد عمومی مردم در درجه اول، نیازمند عزم و باور جدی به مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است.با یک رویکرد فراگیر و عزم جدی در مبارزه با فساد، می‌توان مدیریت کشور را از بحران ناکارآمدی و اعتماد مردم را از ورطه ناامیدی نجات داد.ضمن آرزوی توفیق برای

سیاست

محمدرضا عارف در نطق میان‌دستور خواستار شد

همبستگی و اقتدار ملی در سایه رفع محدودیت‌ها



نبوده؛ بلکه حاصل «سیاست‌گذاری‌های غلط» و استفاده‌نکردن از ظرفیت نخبگان و کارشناسان، در به‌کارگیری منابع ارزشمند کشور است.

اگر اصلاح ساختار اقتصادی و مدیریتی کشور، کانون توجه مدیران و سیاست‌گذاران قرار نگیرد، حتی با رفع تحریم‌ها، توقیفی در حل بحران اقتصادی و رفع تنگناهای معیشتی مردم حاصل نخواهد شد.باید ضعف مدیریتی و سیاست‌گذاری به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی را بپذیریم و در راستای اصلاح ساختارها و کنارگذاشتن مدیران بی‌انگیزه، محتاط، منفعت‌طلب و ناکارآمد و البته حمایت و پشتیبانی از مدیران سالم، توانمند و بات‌انگیزه، رویکردی جدی را آغاز کنیم.متأسفانه قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان عملاً از کارکرد

و روح اصلی خود خارج شده و صرفاً به رعایت صورت و معیشت مردم، دومین سیاست مهم و البته چالش جدی کشور است.

متأسفانه سیاست‌های نادرست و ناهماهنگ و چالش‌های ناکارآمدی در نظام اداری کشور، و تأثیری فراتر از تحریم‌ها بر اقتصاد و زندگی مردم داشته است و اساساً، اثرات سوء تحریم‌ها به واسطه چالش‌های سیاست‌گذاری در کشور، فراگیر شده است.«رشد اقتصادی پایین» و «رشد نابرابری در جامعه»، مهم‌ترین نگرانی‌های راهبردی کشورمان، فقط حاصل تحریم‌های تحمیل‌شده

سوم: در کنار مبارزه فراگیر با فساد و تحول در

نظام مدیریتی و انتخاب مدیران شایسته، سومین رویکرد مهم برای گذر از این شرایط سخت تاریخی و مقابله با زیاده‌خواهی آمریکا و متحدانش در منطقه، توجه به همبستگی ملی و مشارکت همه جریانات درون نظام در مدیریت این مسیر سخت و دشوار است.

از همه جریانات سیاسی، از همه کارگزاران و دولتمردان و مدیران ارشد و شما نمایندگان مردم می‌خواهم ایجاد همبستگی و وحدت ملی و فراهم‌کردن زمینه حضور و مشارکت همه اقشار و جریانات سیاسی درون نظام را جدی بگیریم و به طور مشخص در شرایط امروز، همبستگی و اقتدار ملی می‌تواند در سایه رفع حصر، رفع محدودیت‌ها، حل‌وفصل وضعیت پرونده‌هایی مانند پرونده فعالان محیط زیست و اعتماد به فعالان اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد ارتقا یابد و منشور برادری و تفاهم و گفت‌وگوی ملی شکل بگیرد.نشست‌های قانونی و تأمین امنیت آنها، وظیفه مفروض است. وزارت کشور و نیروهای انتظامی و امنیتی باید برای تأمین آزادی‌های قانونی مردم و کنشگران سیاسی، اجتماعی، صنفی و فرهنگی، همه توانایی‌های خود را به کار گیرند و شک نکنیم که این مهم، به تقویت انسجام ملی و بازسازی اعتماد عمومی کمک خواهد کرد. تجربه ما در دولت اصلاحات نشان می‌دهد در اوج مشکلات بین‌المللی و تنگناهای اقتصادی، امید و سرمایه اجتماعی مردم در کنار همبستگی و همراهی مدیران، می‌تواند شرایط سخت را به سوی رونق و اصلاح پیش ببرد.از آن تجربه ارزشمند ر کنار هم قرارگرفتن جریانات و شخصیت‌های اصیل نظام، استفاده کنیم.

در پایان ضمن تشکر از همکاری‌ام در مجلس، از همه تقاضا دارم امسال پروتان‌تر و جدی‌تر، توجه به مسائل و چالش‌های کشور را از نگاه ملی مورد توجه قرار دهیم تا در این سال سخت، ضمن به‌رسیمت‌شناختن رقابت سالم دو جریان اصیل انقلاب، در رویکردهای ملی مانند مبارزه فراگیر با فقر و فساد و تبعیض، اصلاح ساختار اقتصادی، ایجاد همبستگی ملی و بازآفرینی سرمایه اجتماعی، فارغ از مواضع حزبی و سیاسی تلاش کنیم.

سرنوشت دچار شده‌اند. احمدی‌نژاد اما مسیر نامه‌نگاری‌اش را ادامه داد و بعد از آن دو نامه دیگر به ترامپ نوشت اما مشخص نیست که آیا آنها را هم از همین مسیر سفارت سوئیس ارسال کرده یا نه!در نامه‌ای هم که تیر ۹۷ برای ترامپ نوشت، ضمن انتقاد از سیاست‌های وی در قبال خروج از توافق هسته‌ای ایران با شش کشور بزرگ جهان، تحریم‌های جدید آمریکا علیه تهران را ظالمانه خوانده و گفته بود تحریم‌های یک جانبه و ظالمانه دولت شما فقط مردم مظلوم ایران را تحت فشارهای غیرانسانی قرار داده و خواهد داد. او در پایان ضمن دفاع از سیاست‌های ایران، گفته است «دولت‌های مختلف آمریکا، به‌ویژه در ۴۰ سال اخیر، همواره سیاست خود در ارتباط با ایران را بر مبنای رویکردی تخریبی پی‌ریزی کرده و هزینه‌های سنگینی را از حیث مالی و انسانی به مردم دو کشور تحمیل ساخته‌اند و دولت شما نیز، این رفتار خصمانه و غیرقابل‌توجیه را دنبال کرده است؛ رفتاری که جز پایداری و مقاومت فراینده ملت ایران، انباشته‌شدن کینه‌ها و بیشترشدن فاصله‌ها، حاصلی دربر نداشته و نخواهد داشت.»

احمدی‌نژاد در آخرین حرکت خود و سومین نامه به ترامپ در نقش یکک تدبیرکننده خطاب به ترامپ می‌گوید: «به خود آید و بیندیشد که شما در مقایسه با حاکمیت جهانی ایرانیان و مدیریت مقتدرانه و در عین حال انسانی، عادلانه و بشردوستانه کورش کبیر، علی‌رغم برخورداری از جنگ‌افزرها و قوای نظامی هزاران بار قوی‌تر و مخرب‌تر، منطقاً و عملاً از چه جایگاهی برخوردارید و آگاه باشید که ملت فهیم و شریف ایران و نیز افکار عمومی جهان درباره منطق فکری و منش عملی شما چگونه قضاوت خواهند کرد». احمدی‌نژاد به ترامپ گفته است نامه‌اش مطلقاً سیاسی نیست، بلکه از سوی یک انسان به انسانی دیگر نگاشته شده: «این نامه مطلقاً سیاسی به معنای رایج آن نیست بلکه امروز از یک انسان به یک انسان دیگر است. این نامه از موضع انسانی و علاقه‌مندی و دلسوزی به مردم آمریکا و دیگر ملت‌ها نوشته می‌شود. انتظار دارم که جناب‌عالی نیز بر همین منوال و با دید انسانی، آن را مطالعه نمایید... سؤال اساسی این است که چه کسی به دولت آمریکا مأموریت برقراری امنیت در جهان را داده است؟ دخالت در امور دیگران و لشکرکشی به دیگر مناطق و تحمیل هزاران پایگاه نظامی و امنیتی و اطلاعاتی آمریکا در نقاط مختلف جهان جز نامنی، جنگ، تفرقه، کشتار و آوارگی ملت‌ها چه نتیجه‌ای داشته است؟ آیا این اقدامات جز ایجاد کینه و نفرت نسبت به سرمدمداران آمریکا، بدنامی برای ملت این کشور و تحمیل هزینه‌های نظامی، ستاورد دیگری برای آمریکا که امر داشته است؟ اگر همه دولت‌ها بخوانند رفتاری مانند دولت آمریکا داشته باشند، کدام چشم‌انداز روشن از صلح و امنیت در برابر جامعه بشری قرار خواهد گرفت؟ آیا بهتر نیست با توقف جنگ‌افروزی و عدم دخالت نظامی در دیگر نقاط جهان، بر ایجاد فضای تفاهم بین‌المللی و پایان‌دادن به رقابت تسلیحاتی و جنگ و کشتار مردم تأکید شود؟

برخی فعالان و کارشناسان حوزه سیاست خارجی کشور بر این باورند اقدامات ناگهانی احمدی‌نژاد در قالب نامه‌نگاری به مسیری که دیپلمات‌ها و دستگاه دیپلماسی در پیش دارند، لطمه خواهد زد، چون امری غیرمرسوم، خارج از چارچوب دیپلماتیک و غیرهماهنگ شده با وزارت خارجه به عنوان سکان‌دار عرصه سیاست خارجه کشور است و از طرفی بدون پاسخ‌ماندن نامه‌نگاری‌های او (به عنوان رئیس‌جمهور سابق جمهوری اسلامی ایران) از سوی مخاطبانش برای کشور و نظام اسلامی ایران پسندیده و مطلوب نیست

روژنه

رزم‌آرا

از نخست‌وزیری تا ترور مشکوک

● چهارم تیرماه ۱۳۲۹ بود که حاجی‌علی رزم‌آرا توسط محمدرضا پهلوی به مقام نخست‌وزیری ایران منصوب شد تا سرآغاز یک دوره سیاسی پرنشاطم و در نهایت یک ترور پرابهام باشد. رزم‌آرا در پنجم تیر ۱۳۲۹ به دربار فراخوانده شد و فرمان نخست‌وزیری خود را دریافت کرد. کابینه او چند بار استیضاح شد، ولی همواره از رای اعتماد اکثریت قریب به اتفاق مجلس شورای ملی برخوردار شد. بر عکس در مجلس سنا اکثریت ضعیفی از او حمایت می‌کردند. رزم‌آرا از روزی که به صدارت رسید، با مسئله نفت روبه‌رو شد. سرانجام مجبور شد لایحه کس-گلشائیان را که در زمان دولت ساعد به مجلس داده شده بود، پس بگیرد. در مجلس سنا مخالفان سرسخت وی عبارت بودند از دکتر متین دفتری، سیدمحمد تدین، سرلشکر زاهدی، عدل‌الملک دادگر، دکتر حسابی و عبدالحسین نیکپور. در مجلس شورای ملی غیر از فراکسیون هشت نفری جبهه ملی به زعامت دکتر صدیق، چند نفر از منفردین مانند دکتر معظمی و جمال امامی نیز سا‌او از در مخالفت درآمدند. مداخلات رزم‌آرا در امور مملکت با واکنش‌های بسیاری روبه‌رو شد تا اینکه لایحه نفت در مجلس مطرح شد و پس از انتقادهای نمایندگان مجلس، غلامحسین فروهر، وزیر دارایی کابینه رزم‌آرا، آن را پس گرفت. این پس‌گرفتن لایحه نفت که بدون موافقت مجلس بود، آتشان را بیشتر ناراضی کرد و هنگامی که خواستند درباره عمل خلاف قاعده فروهر رای بگیرند، دکتر طاهری مجلس را از اکثریت انداخت و خشمم آنان بیشتر شد. نتیجه این عملیات این شد که آنها به‌شدت به حکومت رزم‌آرا بدبین شدند؛ اما روزی که رزم‌آرا پشت تریبون مجلس رفت و برخلاف وعده‌هایی که داده و گفته بود «من سربازم و می‌خواهم به مملکت خود خدمت کنم»، گفت ملت ایران عرضه ساختن لوله‌نگ را هم ندارند، آن وقت مجبور می‌خواهند دستگاه عظیم نفت را اداره کنند. این موضوع چنان فداایان اسلام را عصبانی کرد که تصمیم گرفتند به‌دلیل این اظهارات از او انتقام بگیرند.

فدایان اسلام تصمیم گرفتند ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ قبل از ظهر درحالی‌که رزم‌آرا برای شرکت در مجلس ختم آیت‌الله فیض به مسجد شاه می‌رود، او را ترور کنند. گلوله خلیل طهماسبی در حیاط مسجد بر سینه او نشست و در دم جان سپرد، اما ضارب رزم‌آرا هرگز مجازات نشد. در سال ۱۳۲۱ هنگامی که جبهه ملی در مجلس در اوج قدرت بود، به‌وسیله نمایندگان طرحی تهیه و تصویب شد که خلیل طهماسبی را از زندان آزاد می‌کرد. این ماده واحده تأکید می‌کرد چون خیانت علی رزم‌آرا و حمایت او از اجانب بر ملت ایران ثابت است، بر فرض اینکه قاتل او خلیل طهماسبی باشد، از طرف مردم ایران بی‌گناه شناخته شده و تبرئه می‌شود. قتل رزم‌آرا عملاً به روند ملی شدن صنعت نفت ایران سرعت بخشید و کمتر از دو هفته پس از این حادثه، لایحه ملی شدن نفت در پایان سال ۱۳۲۹ در مجلس تصویب شد.

روایت‌هایی هم حاکی از رضایت دربار در ترور رزم‌آراست. موضوع رضایت دربار از حذف رزم‌آرا به گمانه‌زنی‌هایی درباره دخالت نزدیکان شاه در برنامه‌ریزی این ترور منجر شد؛ موضوعی که یک روز پس از ترور، در شماره ۲۰۵۱ نشریه «دا» این چنین مطرح شد: «ذکر این مطلب نیز بی‌مورد نیست که اسدالله علم پادوی محمدرضاشاه که در کابینه رزم‌آرا سمت وزارت کار را داشته‌بود که بعد از رزم‌آرا به مقتل (مسجد...) برد و اولین شخصی بود که خبر قتل وی را به شاه رسانید». این گمانه‌زنی‌ها همان زمان آتچنان بالا گرفت که اسدالله علم برای پاسخ‌گویی به اتهام دخالت در ترور به دادگستری احضار شد. گمانه‌زنی‌هایی که زمینه آن همراهی علم با رزم‌آرا در هنگام ترور بود.

بر اساس اسناد دادگستری، بازجو از اسدالله علم پرسیده: «به قرار اطلاع جنابعالی در روز ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ در مسجد شاه و هنگام ترور مرحوم رزم‌آرا نخست‌وزیر حضور داشته‌اید و مخصوصاً قبلاً خود جنابعالی به مسجد تشریف برده‌اید و چون نخست‌وزیر نبوده است مجدداً به نخست‌وزیری تشریف آورده و مجدداً به معیت ایشان به مسجد تشریف برده‌اید و در هنگام ترور هم حضور داشته‌اید، ضمناً می‌شود جریان کار و مشاهدات خودتان را در این باب مرقوم فرمایید». علم در پاسخ اعلام کرد که در بازگشت از سفر اصفهان، برای انتقال برخی مشکلات این شهر به نخست‌وزیر به دفتر نخست‌وزیری رفته و به اصرار رزم‌آرا همراه او عازم مسجد شاه شده است. در نگاه اول، اسناد موجود نشان می‌دهد دست‌کم بر اساس قول علم، اینکه رزم‌آرا به اصرار او به مسجد شاه رفته، شایعه‌ای بیش نیست. موضوعی که مخالفان فرضیه احتمال دخالت دربار در ترور رزم‌آرا آن را نشانه‌ای از ارد این فرضیه می‌دانند. آنان هم‌خوانی اظهارات علم با اظهارات محمود هدایت برادر همسر رزم‌آرا را دلیلی دیگر بر رد فرضیه دخالت دربار می‌دانند. اسناد به هم‌خوانی سخنان برادر همسر رزم‌آرا با گفته‌های علم برای اثبات عدم دخالت علم در ماجرای ترور، آن هم در کشوری که هنوز بعد از سال‌ها برخی احتمال دست‌داشتن آخرین شاه در وقوع سانحه سقوط هواپیمای حامل برادرش را منتفی نمی‌دانند، چندان متقن به نظر نمی‌رسد. این‌گونه نتیجه‌گیری‌ها در بهترین حالت ممکن تحلیل‌هایی است که هرچند با عقل جور درمی‌آید، اما باز هم نمی‌تواند به استدلال‌هایی یقین‌ور تبدیل شود.